



انجمن ایرانی حقوق زنان

نشریه علمی

پژوهشنامه حقوق کیفری

سال هفدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۵، پیاپی ۳۴



دانشگاه گیلان

صفحات مقاله: ۷-۳۱

مقاله پژوهشی

واکاوی خلاءهای هنجاری در نظام بین الملل و بایسته‌های تدوین سند بین‌المللی الزام‌آور در زمینه خشونت علیه زنان

۱- فریده طه ^{ID}

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران

۲- شهرداد دارابی * ^{ID}

دانشیار گروه آموزشی حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

✉ shahrdad.darabi@yahoo.com

۳- محمدجعفر حبیب زاده ^{ID}

استاد گروه آموزشی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۱۱/۰۹

چکیده:

خشونت مبتنی بر جنسیت، به‌ویژه علیه زنان، از چالش‌های جدی و روبه‌افزایش در عرصه‌ی حقوق بشر بین‌الملل است. با وجود تلاش‌های بین‌المللی از جمله اسناد منطقه‌ای و جهانی، همچنان خلأ سند الزام‌آور جامع و کارآمد احساس می‌شود. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با مرور تحولات اخیر، دو رویکرد اصلی تدوین سند جدید-پیمان‌نامه‌ی مستقل یا پروتکل الحاقی به اسناد موجود- را مورد بررسی تطبیقی قرار می‌دهد. در ادامه، نقاط ضعف اسناد فعلی، چالش‌های مفهومی، محتوایی و اجرایی و ظرفیت‌های حقوقی بین‌المللی برای پیشبرد این روند تحلیل می‌گردد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ترکیب دو رویکرد مذکور می‌تواند به تقویت تعهدات دولتی، توسعه‌ی سازوکارهای نظارتی و ارتقای اثربخشی در مقابله با خشونت علیه زنان منجر شود. در پایان، پیشنهادهایی در راستای بهره‌برداری هم‌زمان از ظرفیت اسناد موجود و تدوین سند جامع آینده ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: خشونت علیه زنان، سند الزام‌آور، پیمان‌نامه‌ی منع خشونت علیه زنان (سیدا)، پیمان‌نامه‌ی استانبول، حقوق بشر.

مقدمه

خشونت علیه زنان به عنوان یکی از چالش برانگیزترین مصادیق نقض حقوق بشر ناشی از عوامل فرهنگی، اجتماعی و حقوقی در حال وقوع است. پیامدهای منفی این پدیده نه تنها بر زندگی فردی زنان، بلکه بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و وضعیت سلامت جسمی و روانی جوامع نیز مشهود است. براساس گزارش‌های سازمان ملل، سالانه میلیون‌ها زن در معرض انواع خشونت‌های فیزیکی و روانی قرار می‌گیرند. (A/HRC/26/L.26/Rev1)

سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین‌المللی از طریق اسنادی همچون پیمان‌نامه رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان^۱، اعلامیه رفع خشونت علیه زنان (۱۹۹۳) پیمان‌نامه استانبول و توصیه‌های کلی کمیته سیدا (به طور خاص شماره های ۱۲، ۱۹ و ۳۵) (WomenWatch) چارچوبی جامع برای مقابله با خشونت علیه زنان ارائه کرده‌اند. با این حال این اسناد از ضمانت اجرا و الزامات حقوقی کافی یا تعاریف جامع در خصوص مفهوم خشونت علیه زنان برخوردار نیستند. لذا مجموع این نواقص موجب شده که اثرگذاری آنها با خلایبی جدی مواجه گردد. به عنوان مثال، هنوز سند بین‌المللی وجود ندارد که تجارب نامتناسب و نابرابر زنان از خشونت را در مقایسه با مردان و به عبارت دیگر خشونت علیه زنان را به طور مستقل و به عنوان نقض حقوق بشر به رسمیت بشناسد. در فرایند تدوین پیش‌نویس پیمان‌نامه سیدا، اگرچه مباحثی مختصر در خصوص خشونت علیه زنان مطرح گردید؛^۲ لکن تعریفی از خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان یا حتی خشونت خانگی ارائه نشد.

درواقع، تا قبل از دهه ۱۹۹۰، خشونت علیه زنان به عنوان موضوعی اصلی در عرصه حقوق بشر مورد توجه قرار نگرفت. کمیته سیدا با تصویب چندین توصیه کلی بر لزوم تفسیر مفاد پیمان‌نامه به گونه‌ای که شامل موضوع خشونت نیز گردد؛ تأکید کرده است. با این حال این قبیل توصیه‌ها در رده «حقوق نرم» قرار می‌گیرند^۳ و ماهیت غیرالزام‌آور بودن آنها به معنای عدم شناسایی مسئولیت دولت‌ها در قبال موارد نقض حقوق زنان و بالاخص خشونت علیه زنان تلقی می‌شود. (Mola Khil, Z. 2024:4.) بعلاوه، عدم ارائه سازکارهای مؤثر برای شناسایی و محاکمه مرتکبان خشونت، خلأ عدم هماهنگی میان دولت‌ها در پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان و تأکید ناکافی بر رویکردهای پیشگیرانه، نقاط ضعف دیگر اسناد بین‌المللی به شمار می‌آیند. همین چالش‌ها و موارد مرتبط دیگر، ضرورت تدوین سند بین‌المللی جامع و الزام‌آور برای مقابله با خشونت علیه زنان را بیش از پیش اولویت بخشیده است. در این خصوص و همچنین در مورد چالش‌ها و فرصت‌های احتمالی مرتبط، در سال‌های اخیر مقالات و تحقیقات علمی در خور توجه‌ای به رشته تحریر درآمده است.

برخی از پژوهشگران، با تأکید بر ضرورت تدوین سند الزام‌آور بین‌المللی استدلال می‌کنند که باید به تعهدات فراسرزمینی دولت‌ها توجه ویژه نشان داد، اصول حقوق بشری را در موضوع خشونت علیه زنان ادغام کرد، سازکارهای تعهدآور ایجاد نمود و مشارکت فعال جامعه مدنی را تقویت کرد تا مجموع این موارد به رفع کاستی‌های موجود کمک کند و مسیر را برای اجرای یک سند بین‌المللی فراگیر و کارآمد که به صراحت خشونت علیه زنان را در همه اشکال آن نقض حقوق بشر تعریف و شناسایی کند؛ هموار سازند. گروهی دیگر در نقطه مقابل، نظرات متفاوتی را بیان می‌دارند. (Mcquigg, 2018:7)

این مقاله با بررسی وضعیت حقوقی اسناد بین‌المللی، به طور خاص به بحث‌های فنی تدوین یک سند حقوقی بین‌المللی جدید می‌پردازد. همچنین موانع و چالش‌های موجود، دستاوردهای احتمالی و اهمیت چنین سندی از منظر حقوق بشر را تبیین می‌کند. از سوی دیگر؛ مهم‌ترین دیدگاه‌های مخالفان پیگیری سند الزام‌آور بین‌المللی نیز بررسی و دلایل مخالفت آن‌ها ارائه می‌گردد.

۱. در ادامه از عبارت «پیمان‌نامه سیدا» یا «سیدا» استفاده می‌شود

۲. هیات بلژیکی عبارت «حمله به تمامیت جسمانی زنان» را پیشنهاد داد (ماده ۶۴ فعلی پیمان‌نامه) اما به علت عدم حمایت کشورها پیشنهاد خود را پس گرفت.

۳ Soft Law- حقوق نرم، این مفهوم به قواعد و اصولی گفته می‌شود که از نظر حقوقی، الزام‌آور نیستند و عمدتاً ماهیت توصیه‌ای دارند اما می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر سیاست‌ها، قوانین و رفتار کشورهای عضو داشته باشند و حتی در نقش مکملی برای «حقوق سخت» عمل کنند و موجب تقویت آن‌ها شوند.

به عبارت دیگر در این مقاله تلاش شده تا به سؤالات زیر پاسخ داده شود و چشم اندازهایی را برای سیاستگذاران و مجریان ملی در قبال این تحول جدید جهانی بگشاید.

چه خلأهایی در اسناد و موازین حقوقی بین‌المللی وجود دارد که ضرورت تدوین پیمان‌نامه جدید در خصوص خشونت علیه زنان را توجیه می‌کند؟ پیمان‌نامه جدید باید شامل چه نوآوری‌هایی باشد تا نسبت به اسناد موجود کامل‌تر و کارآمدتر باشد؟ چه چالش‌هایی در مسیر تدوین چنین پیمان‌نامه‌ای وجود دارد؟ و دلایل مخالفان چیست؟

روش‌شناسی تحقیق:

این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به مطالعه روندهای حقوقی و سیاست‌گذاری در زمینه مقابله با خشونت علیه زنان پرداخته است. داده‌های تحقیق برپایه‌ی تحلیل اسناد بین‌المللی، گزارش‌های رسمی نهادهای وابسته به سازمان ملل و پژوهش‌های علمی روزآمد گردآوری شده‌اند. تمرکز اصلی تحقیق بر ارزیابی چالش‌های موجود در اسناد فعلی و بررسی امکان‌سنجی تدوین سندی الزام‌آور با بهره‌گیری از تجارب منطقه‌ای و چارچوب‌های حقوق بشری موجود بوده است. همچنین، مقاله با رویکرد تطبیقی، به تحلیل ساختار پیشنهادی سند جدید در قالب پیمان‌نامه یا پروتکل پرداخته و درصدد ارائه‌ی راهکاری تلفیقی و عملیاتی برای جلب اجماع بین‌المللی است.

۱. پیشینه همگرایی جهانی در مقابله با خشونت علیه زنان

یکسال پس از تأسیس سازمان ملل در سال ۱۹۴۵، کمیسیون مقام زن^۱ ایجاد شد. هدف از شکل‌گیری کمیسیون، تأکید بر تساوی حقوق میان زنان و مردان و تلاش در جهت رفع هرگونه تبعیض علیه زنان در چارچوب قوانین، عرف و سنن جوامع مختلف است. همچنین موضوعاتی نظیر؛ شناسایی حقوق اساسی زنان، حق بر ازدواج، حق اشتغال، حقوق مرتبط با مالکیت، تابعیت و حضانت همواره در دستور کار این کمیسیون بوده است. (E/281/Rev.1,1947)

شایان ذکر است باوجود آنکه در دستورکار نشست‌های این کمیسیون و همچنین در مفاد مذاکرات صورت گرفته، «خشونت علیه زنان اشاره نشده لکن بارها از واژه «عدم تبعیض» یاد شده که دربرگیرنده مصادیق خشونت علیه زنان است. سال‌ها بعد در ۱۹۷۹، پیمان‌نامه سیدا به عنوان سندی حقوقی به تصویب کمیسیون و سپس مجمع عمومی سازمان ملل رسید. کمیته نظارتی، مواد پیمان‌نامه را به گونه‌ای تفسیر نمود که موضوع خشونت را دربرگیرد و در توصیه‌های کلی شماره ۱۲، ۱۹ و ۳۵ ابعاد خشونت مبتنی برجنسیت ملهم از مفاد پیمان‌نامه را تشریح نمود.

کمیته در سال ۱۹۸۷ از کشورهای عضو درخواست نمود تا در گزارش‌های دوره‌ای خود به قوانین حمایتی از زنان اشاره کنند. سه سال بعد، در توصیه کلی شماره نوزده تصریح نمود: «نخست؛ اگرچه خشونت علیه زنان در پیمان‌نامه سیدا به طور صریح ذکر نشده لکن مفاد آن باید به گونه‌ای تفسیر شود که همه موضوعات از جمله خشونت علیه زنان را نیز شامل شود. دوم؛ خشونت مبتنی برجنسیت به عنوان نوعی تبعیض تلقی می‌شود که توانایی زنان را در برخورداری از حقوق و آزادی‌ها «از حیث برابری با مردان» محدود می‌کند».

کمیته سیدا در آخرین توصیه به صراحت اعلام کرده که مفهوم خشونت علیه زنان که در توصیه شماره ۱۹ و سایر اسناد بین‌المللی تعریف شده است براین واقعیت تأکید دارد که این خشونت‌ها، خشونت مبتنی برجنسیت هستند. بنابراین در این سند از عبارت «خشونت مبتنی برجنسیت علیه زنان» به عنوان اصطلاح دقیق‌تر استفاده شده که علل و پیامدهای جنسیتی این نوع خشونت‌ها را به وضوح مشخص می‌کند. فعالیت‌های مهم دیگری در ارکان مختلف سازمان ملل در موضوع خشونت علیه زنان صورت گرفته

1. UN Commission on the Status of Women

ر.ک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی سازمان ملل متحد، تحقیقات حقوقی، ۷۴.

است. کنفرانس‌های جهانی زنان هر پنج سال یکبار برگزار می‌شوند که اولین بار در سال ۱۹۸۰ در دانمارک، برگزار گردید. در میان ۴۷ سند صادره، بیانیه‌ی «زنان کتک‌خورده و خشونت در خانواده» قابل توجه است. (A/CON.94/35) موضوع خشونت علیه زنان، در کنفرانس‌های بعدی نیز در اولویت قرار داشت.^۲ در سال ۱۹۹۳ دو رویداد مهم به وقوع پیوست؛ تصویب اعلامیه منع خشونت علیه زنان در مجمع عمومی و دیگری برگزاری کنفرانس جهانی حقوق بشر. این کنفرانس نقطه عطفی در تفسیر و گسترش مفهوم جهانی حقوق بشر بود و به صراحت تأکید کرد که خشونت علیه زنان باید به عنوان نقض حقوق بشر شناخته شود. همچنین تصریح شد که حقوق بشر و مسئولیت‌های دولت‌ها در قبال حقوق بشر باید به وضعیت خاص زنان در مراحل مختلف زندگی‌شان نیز تسری یابد. در سند پایانی کنفرانس تحت عنوان «اعلامیه و برنامه وین»، حقوق زنان به عنوان حقوق بشر معرفی گردید. (یکتائی، ۲۵۰:۲۰۲۳).

یکسال بعد (۱۹۹۴)، شورای حقوق بشر، گزارشگر ویژه‌ای برای منع خشونت علیه زنان تعیین کرد. هم‌زمان، کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه پیوندهایی را میان خشونت علیه زنان و بهداشت باروری و حقوق ترسیم کرد (Women Watch). متعاقب آن، چهارمین کنفرانس جهانی زنان در سال ۱۹۹۵ برپا شد و اعلامیه پکن به همراه برنامه عملیاتی آن به تصویب رسید و دوازده حوزه مورد نگرانی از جمله خشونت علیه زنان مورد شناسایی قرار گرفت.

در واقع در دهه ۱۹۹۰، خشونت علیه زنان به عنوان موضوع کیفری بین‌المللی شناخته شد. دادگاه‌های بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق (ICTY) و رواندا (ICTR) بر شناسایی تجاوز جنسی به عنوان نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت تأکید کردند. هم چنین دیوان کیفری بین‌المللی (۲۰۰۲) تجاوز و بردگی جنسی در منازعات مسلحانه به عنوان جرم را شناسایی کرد. در دادگاه‌های نظامی توکیو و نورنبرگ به عنوان اولین نسل از دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، تجاوز جنسی جرم انگاری نشده بود. (پاک نژاد، ۱۴۰۰:۱۲)

در سال ۲۰۰۶، دبیرکل سازمان ملل مطالعه‌ای جامع درباره همه اشکال خشونت علیه زنان منتشر کرد. (Secretary General, 2006) سپس شورای حقوق بشر ملل متحد در سال ۲۰۱۰ قطعنامه‌ای به منظور تسریع تلاش‌ها برای از بین بردن همه اشکال خشونت علیه زنان تصویب نمود. (Human Rights Council, 2010) در سال ۲۰۲۰، رهبران کشورها در جلسه ۶۴ کمیسیون مقام زن، متعهد شدند برای اجرای کامل اعلامیه پکن و برنامه اقدام آن از جمله؛ پایان دادن به همه اشکال خشونت و مداخلات آسیب‌رسان علیه زنان و دختران، اقدامات بیشتری انجام دهند.

در کنار اقدامات بین‌المللی، اسناد و مقررات منطقه‌ای نیز با محوریت خشونت علیه زنان به تصویب رسید. پیمان‌نامه پیشگیری، مجازات و حذف خشونت علیه زنان در کشورهای آمریکایی (بلم دو پارا) در سال ۱۹۹۴ و پروتکل منع خشونت علیه زنان و دختران (ماپوتا) مجمع سران اتحادیه آفریقا به تصویب رسید. (UN Digital Library)

آخرین سند منطقه‌ای «کنوانسیون شورای اروپا در مورد پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان و خشونت خانگی» معروف به پیمان‌نامه استانبول است (Council of Europe, 2011) این سند کلیه اشکال خشونت علیه زنان را محکوم کرده، بر حمایت از زنان آسیب‌دیده، جبران خسارات وارد شده به قربانیان خشونت و مجازات متجاوزان و همچنین راه‌های پیشگیری در سطوح فردی و جمعی تأکید دارد. نکته‌ی قابل توجه امکان الحاق این سند توسط کشورهای غیرعضو شورای اروپا است. این ویژگی، اعتبار بین‌المللی این سند را افزایش داده و آن را از یک سند صرفاً منطقه‌ای به چارچوب جهانی تبدیل نموده است.

با وجود سابقه طولانی توجه به مسئله خشونت علیه زنان در سطح جهانی و تصویب مقررات متعدد بین‌المللی و منطقه‌ای متأسفانه گزارش نهادهای تخصصی سازمان ملل حکایت از وجود درصد بالایی از کشف یا گزارش خشونت در تمام نقاط جهان را دارد. (تقی زاده، آقابابایی، ۱۴۰۲:۱۲۸)

محققان، این ناکارآمدی در رعایت حقوق زنان، باوجود تصویب طیف گسترده‌ای از موازین بین‌المللی و منطقه‌ای را تحلیل و ارزیابی کرده‌اند. بسیاری از اسناد موجود به‌ویژه در قالب اعلامیه‌ها یا پروتکل‌های اختیاری نیاز به یک سند جامع و الزام‌آور را به‌طور مؤثر پوشش نمی‌دهند. پیمان‌نامه سیدا با وجود اهمیت ویژه‌اش، به موضوع خشونت علیه زنان نپرداخته و این مهم فقط در تفاسیر مندرج در توصیه‌های کمیته نظارتی آن، که جنبه الزام‌آور ندارد، گنجانده شده است. لذا نبود جنبه الزام‌آوری در عمده اسناد موجود یکی از ایرادات مطرح است.

اعلامیه منع خشونت علیه زنان هر چند در تعریف و اشاره صریح به مسئله خشونت علیه زنان، قابل توجه است ولی صرفاً جنبه ارشادی دارد و فاقد ضمانت‌اجرائی لازم می‌باشد. از سوی دیگر، برخی از کشورها در پذیرش اسناد الزام‌آور موجود، شروط و تفاسیر خاصی ارائه می‌دهند که به کاهش میزان تعهداتشان منجر می‌شود. این مسئله البته در چارچوب مباحث مربوط به سیاست‌های انتقالی و میزان توجه تصمیم‌سازان به تطابق این تأسیسات با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی قابل بررسی است. (کوهی‌اصفهانی و نجفی‌ابرنادادی، ۱۴۰۰: ۶۱۷)

ایراد قابل توجه دیگر، وجود خلأهای موضوعی این اسناد است. انواع خاصی از خشونت از جمله خشونت‌های برخط (آنلاین) خشونت ناشی از ازدواج زودهنگام و آزار و اذیت در محیط‌های کار هنوز در بسیاری از اسناد بین‌المللی مورد اشاره قرار نگرفته‌اند.^۱ همچنین توجه به خشونت‌های مبتنی بر فرهنگ و مذهب^۲ همانند جرایم ناموسی و ختنه زنان^۳ در برخی اسناد محدود بوده و به‌طور کامل مطرح نشده است.

از سوی دیگر، عدم‌همانگی در نظام‌های حقوقی ملی به‌عنوان چالش دیگر شناخته می‌شود. بسیاری از کشورها قوانین ملی خود را با استانداردهای بین‌المللی هم‌راستا نکرده‌اند و برخی دیگر هنوز لوایح قانونی مؤثر برای منع خشونت علیه زنان را به تصویب نرسانده‌اند.

تنوع در نظام‌های حقوقی و فرهنگی کشورها و همچنین درک متفاوت از ارزش‌ها و هنجارهای بنیادین بشر مانع از همبستگی جهانی و توافق مؤثر جهانی و تدوین استانداردهای بین‌المللی واحد در این حوزه شده است. (مالدار، شوکتی احمدآباد و آقای جنت مکان، ۱۴۰۳: ۴)

نظر به تحلیل‌ها و چالش‌های مطرح شده، گزارش‌های جدید حکایت از آن دارد که کمیته سیدا تدوین پروتکلی جدید با هدف فراهم‌آوردن چارچوبی قوی‌تر برای پیشگیری از خشونت، حمایت از قربانیان و ایجاد تعهدات بیشتر برای دولت‌ها را در دستور کار دارد. (UNWomen)

همچنین در کنفرانسی در مراکش، گروهی از فعالان حقوق زن به همراه نمایندگان ۱۲۶ کشور از جمله کشورهای عضو اتحادیه کشورهای شمال آفریقا و منطقه مدیترانه، به توافق برسر نگارش معاهده‌ای جهانی با هدف پایان دادن به خشونت علیه زنان دست یافته‌اند. (Julie Ada Tchoukou, 2023:2) این توافق در واکنش به ناکارآمدی و محدودیت‌های ابزارهای موجود بین‌المللی، از جمله پیمان‌نامه سیدا شکل گرفته است. ادعا می‌شود که سند جدید، با ارائه چارچوبی الزام‌آور، کشورها را به تعهدات مشخص‌تری در راستای حمایت از حقوق زنان ملزم می‌سازد. این سند جهانی رویکردی جامع، کل‌نگر و یکدست^۴ دارد و پیشگیری، حمایت و محکومیت کلیه اشکال خشونت علیه زنان را مطالبه می‌نماید. همچنین مسائلی نظیر آموزش و پاسخگویی پلیس، قضات و بخش‌های بهداشتی و سلامت را مطرح کرده و به ایجاد نظام کنترل و نظارت بین‌المللی و چارچوب گزارش‌دهی خاص کشورها مبتنی بر معیارها اشاره دارد (Helen Rubenstein, 2020:2)

۱ سازمان بین‌المللی کار مقاوله‌نامه ۱۹۰ و توصیه‌نامه ۲۰۶ را علیه اذیت و آزار زنان در محیط کار تصویب کرد.

۲ رک. زراعت پیشه، شیر، نجفی‌ابرنادادی (۲۰۲۰). کلیشه‌های جنسیتی مؤثر بر وقوع تجاوز جنسی در مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۵۱-۱۷۷.

در ادامه، ضمن بسط و توضیح تلاش‌های فوق‌الذکر به بررسی دقیق‌تر چالش‌های فراوری تهیه و تصویب سند بین‌المللی لازم‌الاجرا در خصوص خشونت علیه زنان، پرداخته خواهد شد.

۲. ضرورت تدوین سند الزام‌آور بین‌المللی در زمینه منع خشونت علیه زنان

محققان بر این باورند که نظام‌های حقوقی ملی و سازکارهای سیاست‌گذاری عمومی در کشورها اغلب بحران خشونت علیه زنان را نادیده می‌گیرند. با این حال زمانی که قوانین و سیاست‌ها با هنجارها و استانداردهای جهانی هماهنگ شوند؛ در درازمدت نقش مثبتی در تغییر نگرش‌ها و رفتارها ایفا می‌کنند. هنجارها و استانداردهای مورد توافق بین‌المللی، مؤید پایان‌دهی به خشونت علیه زنان هستند. در بخش نخست پژوهش حاضر، برخی از مهم‌ترین اسناد و رویدادهای بین‌المللی و همچنین چالش‌های فراوری آن‌ها اشاره شد که به اعتقاد طیف گسترده‌ای از کارشناسان، این اسناد در عمل، کارآمدی لازم را نداشته‌اند و به‌طور مؤثر خشونت علیه زنان را مهار نکرده‌اند. در ادامه به تأمل عمیق‌تری در خصوص دلایل مربوط به لزوم تدوین سند الزام‌آور در زمینه منع خشونت علیه زنان می‌پردازیم.

پیشنهاد تدوین چنین سندی مبتنی بر اصول حقوق بین‌الملل از جمله توسعه تدریجی حقوق (Progressive Development)، نقش حقوق نرم (Soft Law) در ایجاد هنجارهای جهانی، قابل توجه است. پژوهش‌های نوین نیز تأکید دارند که اسناد غیرالزام‌آور، در روند نهادینه‌سازی قواعد بین‌المللی و زمینه‌سازی برای تعهدات الزام‌آور آینده، نقش کلیدی ایفا می‌کنند. (Mola Khil, Z., 2024:4)

۲-۱- نقاط ضعف و محدودیت‌های اسناد کنونی

۲-۱-۱- عدم الزام‌آور بودن اسناد

اسناد بین‌المللی در حوزه خشونت علیه زنان به لحاظ ماهیت حقوقی به دو دسته تقسیم می‌شوند. از یک‌سو، برخی از این اسناد همانند پیمان‌نامه سیدا که به‌عنوان اسناد الزام‌آور شناخته می‌شوند، به موضوع خشونت علیه زنان نپرداخته‌اند. در مقابل، اسنادی دیگر با شفافیت، به موضوع خشونت علیه زنان پرداخته‌اند؛ اما از منظر حقوقی ماهیتی غیرالزام‌آور دارند. مصوبات شورای حقوق بشر، توصیه‌های کمیته سیدا و اعلامیه پکن از این دست اسناد هستند. به‌علاوه، در سطح منطقه‌ای اسناد الزام‌آوری وجود دارند که به‌طور خاص به خشونت علیه زنان پرداخته‌اند اما در گستره جهانی پذیرفتنی نیست.^۱ درک این مسئله که فقدان یک سند الزام‌آور حقوقی چه چالش‌هایی در ابعاد نظری ایجاد می‌کند؛ تا حدی روشن است، اما سؤال اساسی‌تر این است که خلأ مزبور تا چه اندازه در عمل مشکل‌آفرین است. کمیته سیدا از کشورهای عضو درخواست کرده تا در گزارش‌های دوره‌ای به بررسی قوانین، سیاست‌ها و عملکردهای خود در زمینه خشونت علیه زنان نیز بپردازند. با این حال از منظر حقوقی، این سؤال مطرح است که آیا این کشورها برای پیروی از تفاسیر کلی و توصیه‌های کمیته نیز الزامی دارند یا خیر؟ به‌طور کلی تعهدات کشورها در قبال پیمان‌نامه‌های بین‌المللی به دو دسته تقسیم می‌شوند: تعهدات مادی (اجرایی و محتوایی) و تعهدات شکلی (نظارت و گزارش‌دهی). کمیته‌های ناظر بر این پیمان‌نامه‌ها، پس از بررسی گزارش‌های دوره‌ای و ارزیابی اجرای تعهدات، توصیه‌هایی کلی یا خاص به کشورها ارائه می‌دهند. اگرچه این توصیه‌ها از نظر حقوقی الزام‌آور نیستند اما کشورهای عضو از نقطه نظر عملی و سیاسی و معمولاً به‌منظور حفظ اعتبار بین‌المللی خود سعی می‌کنند تا حد امکان به این توصیه‌ها پایبند باشند. در همین راستا، گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه منع خشونت علیه زنان، در گزارش‌های خود در ماه می و سپتامبر سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۲۱، تصویب یک سند بین‌المللی الزام‌آور را کاملاً ضروری دانسته تا این‌گونه دولت‌ها در قبال عملکرد خود پاسخگو باشند (A/HRC/26/L.26/Rev1).

۱. مصادیق اسناد منطقه‌ای در قاره‌های آفریقا، آمریکا و اروپا در بخش نخست مقاله ذکر گردید.

از جمله استدلال‌های گزارشگر، تثبیت تعهد جدی کشورها به مبارزه با خشونت، ایجاد استانداردهای حقوق بشری، تسهیل یکپارچگی قوانین و رویه‌ها در کشورهای مختلف، تقویت آگاهی در سطح جهانی و تحت فشار قراردادن بیشتر دولت‌ها برای پایبندی به تعهدات بین‌المللی خود بوده است. در بخشی از گزارش اشاره شده است: «اگرچه موازین نرم ممکن است در توسعهٔ هنجارها تأثیرگذار باشند؛ اما ماهیت غیرالزام‌آور آن‌ها حاکی از این است که دولت‌ها به‌عنوان ناقض تعهدات، شناسایی نمی‌شوند. هنوز، هیچ یک از پیشرفت‌های حاصله در موازین نرم، راجع به خشونت علیه زنان به حوزهٔ حقوق بین‌الملل عرفی راه نیافته و به قاعده‌ای الزام‌آور یا عام‌الشمول مبدل نشده است. در قسمتی دیگر از گزارش، تأکید می‌کند: «با توجه به ماهیت نظام‌مند، گسترده و فراگیر نقض حقوق بشر که عمدتاً زنان به دلیل جنسیت تجربه می‌کنند، وجود مجموعه‌ای از اقدامات هنجاری و عملی برای مقابله، پیشگیری و محو چنین خشونتی از اهمیت بالایی برخوردار است.» (Julie Ada Tchoukou, 2023:3)

این دیدگاه بر ضرورت تدوین یک سند بین‌المللی الزام‌آور تأکید می‌کند که به‌عنوان چارچوبی مؤثر در مبارزه با خشونت علیه زنان عمل می‌کند و تعهدات را در سطح بین‌المللی روشن و به‌طور جدی‌تری اجرای آنها را نهادینه می‌سازد.

۲-۱-۲ محدودیت قلمرو اثرگذاری اسناد موجود

اسناد و مقررات مربوط به خشونت علیه زنان از این نظر نیز دارای دو وضعیت مختلف هستند. پیمان‌نامه سیدا، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل است که قلمرو اعمال آن در سطح جهانی است لکن به صراحت به خشونت علیه زنان اشاره نکرده است. درمقابل، پیمان‌نامه کشورهای آمریکایی در خصوص پیشگیری، مجازات و حذف خشونت علیه زنان یا پیمان‌نامه استانبول مصوب شورای اروپا به صراحت موضوع خشونت را ذکر کرده‌اند؛ لکن از نظر گستردگی حوزه عمل، صرفاً در میان کشورهای آمریکایی یا اروپایی اجرا می‌شوند.

سند اخیر، با وجود امکان تصویب آن توسط کشورهای غیرعضو شورای اروپا، لکن با همراهی تعداد اندکی از این کشورها مواجه شده و این حکایت از عدم کامیابی در جلب نظر و اجماع بین‌المللی دارد. به‌علاوه ترکیه که اولین دولت تصویب کننده سند و میزبان کنفرانس بود، بعد از سال ۲۰۲۱ از این پیمان‌نامه خارج شد. دلایل و عوامل خروج در قسمت‌های دیگر اشاره می‌شود. حال پرسش این است که آیا برخورداری از سند الزام‌آور حقوقی در سطح یک منطقه کفایت نمی‌کند و حتماً باید در سطح بین‌المللی به تصویب برسد؟ در پاسخ باید اذعان کرد کارشناسانی که اسناد منطقه‌ای را کافی و اتفاقاً مناسب‌تر هم می‌دانند بر این باورند که دولت‌ها چه بسا تمایل بیشتری بر انطباق خود با اسناد منطقه‌ای نشان دهند و در مقایسه با اسناد بین‌المللی نگرانی کمتری داشته باشند. اما موافقان تدوین و تصویب سند الزام‌آور بین‌المللی اعلام می‌دارند که گستره عمده اسناد منطقه‌ای بسیار متفاوت است. (McQuigg, RJ, 2018:142). به‌عنوان مثال، پیمان‌نامه استانبول در مقایسه با سایر اسناد منطقه‌ای، تعهدات بسیار سنگین‌تری برای دولت‌ها مقرر نموده است یا در قلمرو آفریقا موضوع خشونت علیه زنان صرفاً یکی از موضوعات مورد بحث در پروتکل الحاقی به پیمان‌نامه است.^۱ به‌علاوه، بخش‌های عظیمی از جهان وجود دارند که در چارچوب نظام‌های منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر که شامل مفاد اسناد مذکور است، قرار نمی‌گیرند. در نهایت بنظر می‌رسد باوجود آن که عوامل رواج ارتکاب خشونت علیه زنان و گاه نوع خاصی از آن، با توجه به بافت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر منطقه متفاوت است، لکن این استدلال که «بهتر است به موضوع خشونت علیه زنان در سطح منطقه‌ای پرداخته شود» خود خطر یا لغزشگاه بزرگی را فراهم می‌کند، توجیهات ناروای نسبی‌گرایی فرهنگی را بسط می‌دهد و با استناد به حفظ فرهنگ و رویه بومی هر منطقه بسیاری از مصادیق خشونت علیه زنان و کنترل مردانه بر زنان را عادی جلوه می‌دهد. درحالی‌که گزارش‌های سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهند که یکی از مهم‌ترین معضلات سلامت عمومی در عصر حاضر، خشونت خانگی از جمله خشونت جنسی علیه همسرانست، لکن به‌عنوان نمونه

۱. پروتکل الحاقی به منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها راجع به حقوق زنان در آفریقا، معروف به هاپوتو

در کشور ایران به علت ملاحظات فرهنگی و اجتماعی، قانون هم این موضوع را مسکوت گذاشته است. (نعمتی و فرجیها، ۳۰۴:۱۴۰۲)

درواقع در نظام حقوقی ایران به دلیل پیش‌بینی تکلیف تمکین برای زوجه، هیچ اثری از تعریف و نظام مسئولیت در صورت درخواست تمکین نامتعارف خشونت بار و برخلاف رضایت زوجه مشاهده نمی‌گردد. (قلی‌پور، سبحانی و آقابابایی، ۲۵:۱۴۰۰) لذا با ملاحظه اهم نظرات موافقان و مخالفان موضوع و وضعیت موجود موازین بین‌المللی، تدوین سند الزام‌آور بین‌المللی، علاوه بر اینکه «خلاء هنجارین» در عرصه حقوقی مربوط به خشونت علیه زنان را رفع می‌کند، در عمل به پاسخگو تر کردن دولت‌ها در قبال عملکردهایشان و مبارزه با خشونت علیه زنان کمک بیشتری می‌کند. با این حال توجه به تنوع فرهنگی و نیاز به تطبیق آن با شرایط محلی نیز اهمیت دارد. در نهایت، همکاری میان کشورها و سازمان‌های بین‌المللی برای پیشگیری و مقابله با خشونت علیه زنان امری حیاتی است.

۳. روندها و چالش‌های حقوقی در تدوین سند بین‌المللی الزام‌آور

تدوین سند بین‌المللی الزام‌آور در خصوص خشونت علیه زنان نیازمند همکاری گسترده و مشارکت فعال ذی‌نفعان مختلف و به عبارتی بر خورداری از یک سیاست جنایی ترکیبی مشتمل بر همه ظرفیت‌های دولتی و جامعه‌ای ملی و بین‌المللی است. (دارابی، ۹۷:۱۴۰۱) تأکید بر اصول حقوق بشر، تعیین دقیق تعهدات دولت‌ها و ایجاد سازکارهای نظارتی مؤثر، از مهم‌ترین بخش‌های این فرایند است. به عبارتی دیگر، حال با لحاظ سه سند منطقه‌ای موجود و توصیه‌های کلی کمیته سیدا این انتظار وجود دارد که مفاد سند لازم‌الاجرای بین‌المللی جدید بسیار مرقی‌تر و شامل موضوعات روزآمدتری نسبت به اسناد قبلی باشد. همچنین نقاط ضعف و کاستی‌های اسناد قبلی را برطرف نموده، زمینه جلب نظر و اعتماد عموم کشورهای مختلف جهان را فراهم آورد، مصادیق و مظاهر جدید خشونت را بخوبی و به صورت مؤثر و دقیق، معرفی نماید و به باورهای منطقی دینی، مذهبی و فرهنگی ملل مختلف احترام بگذارد.

هم‌سو با دیدگاه موافقان تدوین سند الزام‌آور بین‌المللی، توجه به برخی از چالش‌های مهم پیش رو حائز اهمیت است:

۱.۳. چالش مفهومی

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، تعریف جامع و همه‌جانبه از خشونت علیه زنان است. بدین معنا که تعریف ارائه شده، ضمن اینکه همه‌ی مصادیق خشونت را دربرگیرد؛ جنبه‌های فرهنگی و جنسیتی را نیز شامل شود. به عنوان مثال؛ اعلامیه منع خشونت علیه زنان، خشونت را هر اقدام خشن خشونت مبتنی بر جنسیت تعریف نموده و کمیته سیدا در توصیه شماره ۱۹ با ذکر عبارت «خشونت مبتنی بر جنسیت» و در توصیه شماره ۳۵ با استفاده از عبارت «خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان» که به تعبیر خود سند، از واژه دقیق‌تری استفاده شده، آن را شکلی از تبعیض معرفی نموده که زنان را از حقوق مساوی با مردان محروم می‌سازد. در سند جدید درک خشونت به عنوان مشکلی اجتماعی و نه فردی تلقی شده که نیازمند پاسخ‌هایی جامع فراتر از واکنش‌هایی به رویدادهای خاص، مجرمان فردی و قربانیان و بازماندگان است. (CEDAW/C/GC/35)

این رویکرد بر این فرض استوار است که خشونت علیه زنان به عنوان نوعی خشونت مبتنی بر جنسیت به علت ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی شکل می‌گیرد و نابرابری‌های جنسیتی را تشدید می‌کند.

سازمان جهانی سلامت،^۱ سازمان بین‌المللی^۲ و گزارش گزارشگر ویژه منع خشونت علیه زنان نیز تعاریف مشابهی ارائه کرده‌اند.

1. World Health Organization

2. International Labour Organization

گرچه نظر غالب و مورد تایید سازمان ملل، خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان است اما از این مسئله هم نباید غافل ماند که برخی از محققان، «رویکرد جنسیتی خنثی» یا «بی‌طرفی جنسیتی»^۱ را مطرح می‌کنند. این گروه بر این باورند که خشونت مسئله‌ای کلی است و بدور از مسائل جنسیتی باید دیده شود و تدوین مقررات خاص لازم نیست. (ابوالحسنی و طه، ۱۳۹۶: ۷۹)

در واقع رویکرد «جنسیتی خنثی» به این معناست که قوانین و سیاست‌ها باید بدون توجه به جنسیت قربانی یا مرتکب اجرا شوند و لازم است از زبان و مفاهیمی که صرفاً برای یک جنس خاص تعریف نشده‌اند، استفاده شود. این دیدگاه بر آن است که اعمال خشونت، ماهیتی انسانی و جهانی دارد و جنسیت نباید بر نحوه برخورد با چنین جرائمی تأثیر بگذارد. در این رویکرد هدف اصلی، مبارزه با خشونت و حمایت از قربانیان است؛ بدون تأکید بر اینکه قربانی، زن، مرد یا فردی با جنسیت‌های دیگر باشد. (Goldscheid, 2015: 314)

در حالی که برخی کشورها در تلاشند تا با معرفی سیاست‌های جنسیتی خنثی یا بی‌جنسیتی به‌ویژه در زمینه حقوق و فرصت‌های شغلی، نابرابری‌ها و تبعیض‌های تاریخی بر اساس جنسیت را کاهش دهند، این رویکرد می‌تواند موجب نادیده گرفتن نیازهای خاص گروه‌های آسیب‌پذیر، از جمله زنان، گردد. به‌عنوان نمونه در قانون جزای ایران، اعمال خشونت و تجاوز بدون در نظر گرفتن جنسیت بزه‌دیده قابل مجازات دانسته و حمایت خصوصی از زنان در مقابل جرایم خشونت آمیز پیش‌بینی نشده است. (شیخ بهایی، بهرامی‌تژاد و بهرامی خوشکار، ۱۴۰۰: ۱۵۴)

در حوزه بزهکاری و کیفرگذاری نیز لازمه برقراری عدالت جنسیتی توجه قانون‌گذاران به ویژگی‌ها و شرایط خاص در ارتکاب جرم است. (بدری‌منش و حبیب‌زاده، ۱۴۰۰: ۲۲). سیاست‌های جنسیتی خنثی که به‌دنبال حذف تفاوت‌های جنسیتی در سیاست‌گذاری‌ها و مقررات هستند، ممکن است در ابتدا به‌نظر رویکردی برابرخواهانه و عدالت‌محور بیایند. با این حال، در عمل، این نوع سیاست‌ها می‌تواند موجب غفلت از تبعیض‌های موجود و ساختارهای نابرابر در برابر زنان، به‌ویژه در جوامع مردسالار گردد. در این شرایط، تبعیض مثبت به‌عنوان ابزاری ضروری مطرح می‌شود که در چارچوب آن، سیاست‌های خاص و تدابیر حمایتی برای زنان و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر در نظر گرفته می‌شود.

هدف از تبعیض مثبت، ایجاد فرصت‌های برابر و شانس‌های عادلانه برای زنان است، به‌ویژه در زمینه‌هایی که در آن‌ها هنوز نابرابری‌های جنسیتی گسترده‌ای وجود دارد. به عبارت دیگر، به‌جای حذف تفاوت‌های جنسیتی؛ بدون در نظر گرفتن شرایط خاص، باید سیاست‌هایی اتخاذ شود که از طریق تخصیص منابع و حمایت‌های ویژه، شکاف‌های تاریخی و اجتماعی بین زنان و مردان را کاهش دهد. بنابراین، در کنار تلاش برای بی‌جنسیتی کردن قوانین و سیاست‌ها، باید تبعیض مثبت به‌عنوان یک رویکرد مکمل و مؤثر در نظر گرفته شود تا هم‌زمان با فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای همه افراد، نیازهای خاص زنان و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر نیز برآورده شود.

هم‌اکنون در برخی از نظام‌های حقوقی از جمله ایران، قانون با محتوای چنین رویکردی در خصوص خشونت خانگی تصویب شده است. رویکرد جنسیتی خنثی گرچه دارای مزایایست، اما در مقابل، به نظر می‌رسد این رویکرد توجه لازم به خشونت‌های خاص علیه زنان را کاهش داده و از اهمیت موضوعی که بیشتر بر زنان تأثیر دارد، می‌کاهد. مبتنی بر همین نگاه، تاکنون سیاست جنایی سازمان ملل در مسئله خشونت علیه زنان، مبتنی بر رویکرد «جنسیت‌محور»^۲ بوده و در آخرین مصوبه از عبارت «خشونت مبتنی بر جنسیت علیه زنان» استفاده کرده که خشونت علیه مردان و سایر طبقه‌بندی‌هایی که در دنیای کنونی راجع به تنوع جنسیتی مطرح می‌شود، مستثنی می‌گردد.^۳

1. Gender – Neutral

2. Gender-Sensitive

۳. فارغ از هر گونه ارزش‌گذاری، امروزه در سطح دنیا عناوین و اسامی مختلفی برای توصیف هویت‌های جنسیتی بکار می‌رود که معروف‌ترین آنها دگرجنس‌گرا (Hetero Sexual)، هم‌جنس‌گرا یا همجنس‌باز (Homo Sexual)، دوجنس‌گرا (Bisexual)، بدون گرایش جنسی (Asexual)، هر (همه) جنس‌گرا (Pansexual) و بین‌جنسی (Intersex) هستند.

در متن پیش‌نویس پیمان‌نامه پیشنهادی کارشناسان، بر خشونت علیه زنان و همچنین دختران تأکید گردیده است که در واقع مُعرف نوع نگاه انتخابی در دوگانه مورد بحث (خنثی و بی‌طرف به جنسیت یا توجه خاص به جنسیت) است (Jackie Jones, 2015:1)

چالش مهم دیگر، تعریف و چپستی جنسیت است. برای اولین بار، جنسیت به‌طور رسمی در بند سوم ماده هفت اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸) این‌گونه تعریف شد: «اصطلاح جنسیت به دو جنس مذکر و مونث اشاره دارد در چارچوبی که جامعه به این دو مفهوم اختصاص داده است. این تعریف هیچ معنای دیگری ندارد» این اقدام گرچه در نوع خود گامی مهم در ارتقای شناسایی مسائل جنسیتی در حقوق کیفری بین‌المللی بود و تاثیر ویژه‌ای در پرونده‌های مربوط به خشونت جنسیتی و جنسی گذاشت^۱ لکن انتقاداتی را نیز در پی داشت. پس از تصویب این سند، مفهوم جنسیت به‌طور غیرمستقیم گسترش پیدا کرد و در آخرین تعریف ارائه شده از سوی شورای اروپا در پیمان‌نامه استانبول، تفاوت و تمایز مبنایی ایجاد گردید که اتفاقاً یکی از دلایل خروج کشور ترکیه از این سند و احتمالاً عدم تمایل برخی دیگر از کشورها در پیوستن به آن نیز ناشی از همین تعریف ارائه شده از واژه جنسیت است. (Köktaş, Ö. F. 2024:190) در این سند، جنسیت به‌طور خاص به‌عنوان ساختاری اجتماعی که به خشونت و تبعیض منجر می‌شود، مطرح شده است.

درواقع جنسیت نه تنها به‌عنوان ویژگی بیولوژیکی^۲ بلکه به‌عنوان مفهومی اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته شده که به ساختار قدرت و روابط اجتماعی میان زنان و مردان مرتبط می‌گردد^۳ در این راستا راه مقابله با خشونت علیه زنان، تغییر در نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی در مورد جنسیت و روابط قدرت است که این رویکرد از نظر اجتماعی و فرهنگی به‌ویژه در جوامع سنتی که ممکن است نگرش‌های خاصی نسبت به نقش زنان و مردان داشته باشند، جای تأمل دارد. در این رویکرد، تغییرات اجتماعی باید هم‌زمان با اصلاحات قانونی و سیاسی انجام گیرد. این در حالی است که در سایر اسناد، به ترویج حقوق زنان تأکید می‌شود و تغییرات اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان بخشی از راهبردهای مؤثر برای جلوگیری از خشونت، کمتر مورد اعتنا قرار می‌گیرد و تمرکز آنها بیشتر بر روی تصویب و اصلاح قوانین است (Agnello, F, 2013:4) به‌عنوان نمونه، در پیمان‌نامه سیدا در بحث تغییرات اجتماعی، به‌جای تکیه بر جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی مسئله، بیشتر بر جنبه‌های قانونی و حقوقی خشونت تمرکز صورت گرفته و جنسیت به‌عنوان موضوعی حقوقی که تأکید بیشتری بر تبعیض و نابرابری دارد؛ در نظر گرفته شده است.^۴ در این میان، تراجنسیتی‌ها به‌عنوان افرادی که هویت جنسیتی آن‌ها با جنسیت نسبت داده‌شده به آن‌ها هنگام تولد همخوانی ندارد، نماد برجسته‌ای از این تحولات هستند. تغییرات فرهنگی و ساختاری باعث شده است که تراجنسیتی‌ها و افرادی با هویت‌های جنسیتی غیردوتایی به چالش‌های مختلفی در قوانین، سیاست‌ها و فرهنگ‌های اجتماعی مواجه شوند و از این رو، مفهوم جنسیت را از چارچوب‌های سنتی فراتر برده و آن را به یک موضوع پیچیده‌تر و چندبعدی تبدیل کرده‌اند. تغییر در ساختارهای اجتماعی به‌معنای اصلاح و بهبود روابط اجتماعی، هنجارها و باورهای فرهنگی است که منجر به تغییر در نقش‌های جنسیتی، افزایش آگاهی عمومی، تغییر در قوانین و سیاست‌ها و رها کردن نگرش‌های سنتی، تغییر در تعریف خانواده و گستردگی آن و کاهش نقش‌های سنتی آن می‌گردد. از نظر نگارنده، این تغییر نگرش به‌ویژه در زمینه‌های حقوق بشری و بین‌المللی، اهمیت زیادی پیدا کرده است، زیرا به شناسایی اشکال پنهان‌تر خشونت کمک می‌کند و راه کارهای نوینی برای مقابله با آن ارائه می‌دهد. بر همین اساس تدوین‌کنندگان سند بین‌المللی باید به این موارد با دقت و تأمل فراوان بیاورند و با این هدف که مفاد آن موردپسند همه جوامع بشری متشکل

۱. پرونده الحسن (Al Hassan Ag Abdoul Aziz)، ۲۰۲۲، مالی، خشونت جنسیتی ابزاری برای سرکوب زنان بوده است. همچنین پرونده ژان-پیر بمبا (Jean-Pierre Bemba Gombo)، ۲۰۱۶.

۲ Sex (جنس)

۳. ماده سه

۴. در ماده یک که تبعیض تعریف شده است، در مورد این که کدامیک از ساختارهای اجتماعی و فرهنگی به شکل‌گیری یا تداوم تبعیض، منتهی یا کمک می‌کند، اشاره‌ای نشده است.

از فرهنگ‌ها و باورهای کاملاً متفاوت باشد؛ پیش‌بینی‌های لازم را انجام و تدبیر کنند. به عنوان مثال، به منظور اثربخش بودن جرم‌انگاری، این فرایند باید با ارزش‌ها و ملاک‌های اجتماعی، فرهنگی، دینی و روحیات آحاد جامعه هماهنگی داشته باشد. (میرجعفری، ۱۴۰۰: ۸۰) در پیش‌نویس پیشنهادی کارشناسان در خصوص منع خشونت علیه زنان، جنسیت در بند ب ماده دو همانند پیمان‌نامه استانبول، تعریف شده است. (Jackie Jones, Noelle Quenivet, 2015:2)

علاوه بر این چند مورد، چالش‌های دیگری نیز وجود دارد که شرح و بسط آن در این نوشتار مقدور نیست. در عین حال، به طور خلاصه به برخی از سرفصل‌های مهم آن اشاره می‌شود؛ با این هدف که دست‌اندرکاران موضوع، در تدوین سند جدید، حل مسئله و تدبیر مناسب در این موارد را نیز مورد توجه لازم قرار دهند تا حاصل کار مورد اقبال جهانی واقع شود. به عنوان نمونه، موضوع تعارض میان دو ایده جهان‌شمولی حقوق زنان و نسبی‌گرایی فرهنگی می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی بر اصول جهان‌شمولی حقوق زنان تأکید دارند؛ در حالی که ارزش‌های بومی و سنت‌های فرهنگی هم باید مورد توجه قرار گیرند. در برخی از جوامع، ازدواج کودکان یا خشونت خانگی به عنوان بخشی از فرهنگ بومی مطرح و توجیه می‌شوند. نکته دیگر این که، منوط به نظام‌های حقوقی مختلف همانند حقوق موضوعه، کامن‌لا، عرفی و سنتی، رویکردها و تعاریف مختلفی نسبت به حقوق زنان و جزئیات مسئله خشونت علیه زنان مطرح می‌شوند. در حقوق اسلامی، مسائل مربوط به روابط خانوادگی و نفی خشونت در مواردی با استناد به اصول شریعت و تحولات نظری ذریط تعریف می‌شوند یا در کشورهای غربی، تأکید بیشتری بر جنبه‌های فردگرایانه حقوق انسانی وجود دارد که در موضوعات زنان نیز پیامدهایی دارد.

بطور کلی، شکل‌دهی زبان حقوقی مشترک برای تدوین سند بین‌المللی الزام‌آور در حوزه نفی خشونت علیه زنان، کار ساده‌ای نیست و قطعاً از حیث محتوایی با اختلافات و چالش‌های متنوع روبرو خواهد شد که پیشاپیش برای حل آنها باید نظریه و برنامه داشت.

۲.۳. چالش اجرایی

از حیث شکلی، تهیه سند بین‌المللی در دو قالب پیمان‌نامه یا پروتکل (بصورت مستقل یا الحاقی به پیمان‌نامه سیدا) مطرح است که هر کدام معایب و محاسن خاص خود را دارد. تدوین سند در قالب پیمان‌نامه که لاجرم باید مرجع نظارتی جداگانه‌ای نیز ایجاد شود در مقایسه با شکل پروتکل پرهزینه‌تر است. به موجب ماده ۳۸ پیش‌نویس سند پیشنهادی (Jackie Jones, Noelle Quenivet, 2015:13) کمیته سیدا بر اجرای درست مفاد این سند نظارت می‌کند. اگر این پیشنهاد پذیرفته شود، ماهیت سند الزام‌آور پیشنهادی، فارغ از عنوان آن، پروتکل الحاقی به پیمان‌نامه سیدا محسوب خواهد شد. در پیمان‌نامه استانبول، به موجب فصل نهم، «گروه کارشناسان اقدام»^۱، وظیفه نظارت بر اجرای درست سند توسط طرف‌های عضو را برعهده دارد.^۲ تهیه سند جدید الزام‌آور به شکل پروتکل و آنهم ملحق به پیمان‌نامه سیدا، نزد حکومت‌ها جذابیت‌های خاص خود را دارد چرا که تهیه گزارش دوره‌ای به کمیته‌های متعدد ناظر بر معاهدات الزام‌آور حقوق بشری، همواره یکی از چالش‌های حکومت‌ها بوده و هست. فلذا در صورت تهیه و تصویب سند الزام‌آور جدید در قالب پروتکل الحاقی، فشار کمتری در این زمینه بر دولت‌ها تحمیل می‌شود و طبیعتاً بیشتر مورد استقبال آنها قرار خواهد گرفت.

اما از سوی دیگر، حجم و گستره قابل توجه مسئولیت‌های کنونی کلیه نهادهای نظارتی پیمان‌نامه‌های بین‌المللی حقوق بشر از جمله کمیته سیدا، مانعی جدی برای واسپاری وظیفه نظارتی جدید به کمیته مذکور است. مهم‌تر از همه، نبود کمیته‌ای مستقل برای نظارت، خطر عدم توجه دقیق و جدی دولت‌ها به موضوع خشونت علیه زنان را در پی دارد که موید دیدگاه مدافع تهیه سند جدید بصورت پیمان‌نامه و نه پروتکل الحاقی است. بعلاوه، اجرای مؤثر تصمیم‌ها نیز همواره چالش جدی همه نهادهای حقوق بشری و از جمله سازکارهای منطقه‌ای است. امروزه جامعه بین‌المللی از رهگذر تأسیس سازکارهای بین‌المللی در حال گذار از واگرایی به همگرایی است. (مومنی‌راد و کیخسروی، ۱۳۹۸: ۱۲۲)

فارغ از دو دیدگاه مذکور، آن گونه که در رسانه‌ها بازتاب یافت خانم ریم السالم^۱ گزارشگر ویژه منع خشونت علیه زنان در نشست ۶۸ کمیسیون مقام زن سازمان ملل (۲۰۲۴)، از کشورهای عضو درخواست کرد تا پروتکل منع خشونت علیه زنان الحاقی به کنوانسیون سیدا را تهیه کنند (UNWomen, 2024).

همچنین، طبق اطلاعات منتشره، کمیته سیدا نیز در حال مذاکره برای تهیه سند بین‌المللی مستقل در خصوص خشونت علیه زنان است. از آن جا که این تلاش‌ها از طریق کارگروه‌ها و جلسات هم‌فکری کارشناسی به پیش می‌رود و جزئیات آن در اختیار عموم قرار نگرفته است، در مورد کم و کیف این روند، به‌طور دقیق نمی‌توان اظهار نظر کرد.

نتیجه‌گیری

تحلیل جامع روندهای بین‌المللی در مقابله با خشونت علیه زنان نشان می‌دهد که باوجود پیشرفت‌هایی در سطوح منطقه‌ای، همچنان در سطح جهانی با نبود یک سند الزام‌آور و نهاد ناظر مستقل و اثربخش، مواجه هستیم. این وضعیت باعث شده است که تعهدات دولت‌ها در زمینه منع خشونت مبتنی بر جنسیت، پراکنده، غیرالزام‌آور و اغلب ارشادی باقی بماند. واقعیت این است که حقوق زنان، به‌ویژه در حوزه خشونت جنسیتی، قربانی خلأهای ساختاری در نظام حقوق بین‌الملل شده که نیازمند بازنگری‌های عمیق و قاعده‌مند است.

با این حال، تدوین و تصویب یک سند الزام‌آور بین‌المللی در این حوزه نیز، با چالش‌هایی جدی روبه‌روست. مقاومت سیاسی برخی دولت‌ها در برابر تعهدات حقوقی جدید و همچنین پیچیدگی‌های حقوقی و مالی در طراحی و اجرای سازکارهای نظارتی کارآمد، مسیر تصویب سند را دشوار می‌سازد. موانع اجرایی ناشی از ساختارهای نابرابر قدرت در روابط بین‌الملل، یکی دیگر از چالش‌های مهم است. کشورهای قدرتمند در موارد متعدد از استانداردهای حقوقی به‌عنوان ابزاری برای فشار دیپلماتیک استفاده می‌کنند. از همین رو کشورهای در حال توسعه ممکن است چنین اسنادی را مداخل در امور داخلی خود تلقی کنند. لذا موفقیت نهایی چنین سندی در آینده، بستگی به توانایی سازمان ملل در ایجاد اجماع میان کشورها و تأمین منابع لازم برای اجرای مفاد آن دارد.

از سوی دیگر، روند فزاینده منطقه‌گرایی در تدوین اسناد مرتبط با خشونت علیه زنان یکی دیگر از چالش‌هاست. در حالی که بسیاری از مناطق جهان (مانند اروپا، آفریقا و آمریکای لاتین) اسناد الزام‌آور منطقه‌ای خود را تدوین و تصویب کرده‌اند، این تکثر هنجاری، انگیزه و ضرورت ایجاد یک سند جهانی واحد را در برخی کشورها کاهش داده است. گسست میان هنجارهای منطقه‌ای و هدف جهان‌شمولی حقوق بشر، مانعی جدی بر سر راه اجماع بین‌المللی برای تصویب یک سند الزام‌آور جهانی محسوب می‌شود.

افزون بر این، برای تدوین سند الزام‌آور بین‌المللی در حوزه خشونت علیه زنان؛ اجماع جهانی برسر مفاهیم کلیدی مانند خشونت مبتنی بر جنسیت، حقوق باروری و تعارض میان ارزش‌های جهان‌شمول با سنت‌ها و فرهنگ‌های محلی وجود ندارد که در این خصوص نقش کشورهای پیشرو و نهادهای بین‌المللی در تبیین مصادیق خشونت جنسیتی و تلاش برای شفاف‌سازی اصطلاحات در پیشبرد ایده تدوین سند بین‌المللی الزام‌آور جدید ضروری است. درحوزه پیشگیری و مبارزه با خشونت علیه زنان نیز، رویکردهای موجود باید به‌طور ساختاری مورد بازبینی قرار گیرند تمرکز حداکثری بر واکنش‌های کیفی هر چند که برای کاهش مصونیت مرتکبان خشونت علیه زنان، پیامدهای مثبت دارد لکن کافی نخواهد بود. به منظور دستیابی به نتایج پایدار، باید اقدامات پیشگیرانه‌ای مانند آموزش گسترده حقوق بشر، توانمندسازی زنان در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و تقویت نظام‌ها و سازکارهای حمایتی، در دستور کار قرار گیرد. این اقدامات نه تنها برای رفع خشونت‌های فردی مؤثرند، بلکه به پالایش و اصلاح ساختارهای فرهنگی و اجتماعی که زمینه‌ساز تبعیض و خشونت هستند نیز کمک خواهند کرد.

بنابراین، صرف تدوین سندی الزام‌آور کافی نخواهد بود؛ بلکه این سند پیشنهادی باید واجد ویژگی‌هایی هم باشد که آن را از اسناد قبلی متمایز کند: نخست آن که تعریف خشونت باید دقیق، جامع و شامل مصادیق نوین هم‌چون خشونت‌های سایبری، فرهنگی و سنتی باشد. دوم، سازکارهای اجرایی باید از ضمانت‌اجرا برخوردار و شامل نهادهای نظارتی فراملی با امکان پاسخ‌خواهی از دولت‌ها

باشد و سوم، سند باید با لحاظ تنوع فرهنگی، امکان الحاق گسترده‌ی کشورها را فراهم آورد، بدون آن که اصول بنیادین حقوق بشر تضعیف شود. موفقیت چنین سندی در گرو اتخاذ راهبردی مرحله‌ای و تلفیقی است. در گام نخست، تهیه پروتکل الحاقی به اسناد موجود همچون پیمان نامه‌ی سیدا، گامی واقع‌بینانه و قابل اجراست. در گام دوم، تدوین پیمان نامه‌ای مستقل با مشارکت فعال سازمان ملل، جامعه مدنی و نهادهای تخصصی، می‌تواند بنیانی برای تحقق نظم حقوقی جهانی منسجم در زمینه منع خشونت علیه زنان را فراهم آورد.

در پایان باید اذعان داشت در سطح ملی، این مقاله می‌تواند راهگشای بازنگری در سیاست‌ها و قوانین داخلی کشورها نیز باشد. در مورد ایران، یافته‌های این پژوهش می‌تواند مبنای تدوین یک سند یا قانون جامع ملی در زمینه منع خشونت علیه زنان باشد. مفاهیم، ساختارها و الگوهای پیشنهادی مقاله، با اقتباس از اسناد بین‌المللی، می‌تواند به نظام حقوقی ایران در جهت تنظیم قوانین دقیق‌تر، جامع‌تر و هماهنگ با تحولات جهانی کمک کند. با وجود آن که بسیاری از کشورها در مسیر تدوین و تصویب سند الزام‌آور جهانی گام برداشته‌اند، ایران نه به کنوانسیون سیدا پیوسته و نه تاکنون قانون خاص و مستقلی در مورد منع خشونت علیه زنان تصویب کرده است. این وضعیت، بیانگر فاصله قابل توجه میان نظام تقنینی داخلی و روندهای حقوقی جهانی است؛ شکافی که کاهش آن، مستلزم نگاه تحلیلی، گام به گام و متعهدانه از سوی نهادهای قانون‌گذار، قضایی و مدنی است.

References:

- Agnello, F. (2013). "A new 'gender' definition in international law: the Convention on Preventing and Combating Violence against Women and Domestic Violence". *Spanish Yearbook of International Law*, 18, 87-114
- Abolhasani, S. Fereyda, T. T. (2017). *Domestic violence: A legal and criminological analysis of UN documents* (1st ed.). Mizan Publishing. [In Persian]
- Badrmanesh, A., Moeidfar, S., Habibzadeh, M. J., & Shakeri Golpayegani, T. (2021). A jurisprudential and legal examination of gender-based approaches in the penalization of discretionary crimes. *Islamic Law Journal*. [In Persian]
- Council of Europe. *Convention on preventing and combating violence against women and domestic violence*, <https://www.coe.int/en/web/conventions>
- Darabi, Sh. (2022). Combined responses in international criminal policy. *Criminal Law Doctrines*, 19(24). <https://doi.org/10.30513/cld.2023.5111.1830>. [In Persian]
- E/CN.6/487/1967, www.womenwatch/daw/cedaw
- E/CN.6/L.15-1950, E/CN.48/104/1993
- E/281/Rev.1, 25 Nov. 1947. United Nations Commission on the Status of Women
- Goldscheid, J. (2015). Gender neutrality and the "Violence against women" frame. *University of Miami Race & Social Justice Law Review*.
- Gholipour, N., Sobhani, M., Aghababai, H. (2025). The role of obedience and consent in marital sexual violence: A comparative study with other legal systems. *Legal Studies*. <https://doi.org/10.52547/2025.5183.5241>. [In Persian]
- Human Rights Council, 2010- A/HRC/26/L.26/Rev1
- International labour organization. www.ILO.org
- International Criminal Court. www.icc-cpi.int
- Julie Ada Tchoukou, The Silences of International Human Rights Law: The need for a UN Treaty on Violence against Women. *Human Rights Law Review*, Volume 23, Issue 3, 2023, ngad016, <https://doi.org/10.1093/hrlr/ngad016>
- Jackie Jones, Noelle Quenivet, Draft Convention for the Elimination of Violence against Women and Girls (CEVAW), 2015, <https://www.academia.edu/12302931/2015>
- Köktaş, Ö. F., & Köseoglu, Ö. (2024). A decade of dichotomy: understanding Turkey's changing stance on the Istanbul Convention for combating violence against women. *South European Society and Politics*, 29(2)

- Koohi Esfahani, K., Najafi Abrandabadi, A. H., & Farajirad, M. (2021). Crime control policy transfer: Voluntary or compulsory? *Islamic Law Review*, 22(2), 605–636. <https://doi.org/10.30497/law.2022.242161.3147> .[In Persian]
- McQuigg, R. J. A. (2018). "Is it time for a UN Treaty on Violence against Women? The International Journal of Human Rights, <https://doi.org/10.1080/13642987.2017.1359552>
- Merry, S. E. (2006). *Human Rights and Gender Violence: Translating International Law into Local Justice*. University of Chicago Press
- Mola Khil, Z. (2024). Theoretical Foundations of Soft Law: Conceptual Boundaries, Normative Distinctions, and Taxonomic Feasibility
- Maldar, M. H., Shokati Ahmadabad, Z., & Aghaei Janatmakan, H. (2024). Harmonization with global interpretations of fundamental human rights concepts: A practical approach to Iran's accession to the ICC. *Criminal Law Journal*, 15(2), 127–140. <https://doi.org/10.22124/jol.2024.27505.2478> .[In Persian]
- Meshhadi Karami, Sh. (2020). Reflection on the effectiveness of the CEDAW Convention and the 2011 Istanbul Convention in preventing and combating violence against women. *Human Rights Research Journal*, 19(5) .[In Persian]
- Meshhadi Ali Karami, M. (2020). Protection of women against violence under the 2011 Istanbul Convention on preventing and combating violence against women. *Journal of Public Law Studies*, 5(2), 737–755. [In Persian]
- Mirjafari, Z. S., Habibitabar, T., Tohidi, A. R., & Fattahi, S. M. (2021). Comparative study of national and international laws on the elimination of domestic violence against women. *Jurisprudential and Legal Studies on Women and Family*, 8(4) .[In Persian]
- Momenirad, A., & Kikhsooravi, M. (2019). Regional mechanisms of human rights: Types, challenges, and strategies. *Islamic Human Rights Studies*, 8(2) .[In Persian]
- Najafi Abrandabadi, A. H. (1996). Criminal policy of the United Nations. *Legal Research Quarterly*, 1(18), 287–355.[In Persian]
- Nemati, Z., & Farajirad, M. (2023). Response of criminal justice institutions to sexual violence against spouses. *Criminal Law Journal*, 14(1) .[In Persian]
- Paknejad, D., Sobhani, M., & Shahmalekpour, H. (2021). A comparative study of the crime of sexual assault in Iranian legal system and international criminal law. *Criminal Law Doctrines*, 18(22) .[In Persian]
- Rubenstein, Helen, *Time for a change: the need for a binding international treaty on violence against women*, Global Rights for Women, 2020.
- Report of the world Conference. A/CON.94/35
- Secretary General InDepth Study on all forms of violence against women: <https://www.un.org/womenwatch/daw/vaw/SGstudyvaw.htm#more>. www.coe.int/en/web/istanbul-convention
- Sheikhibahaei, J. M., Bahraminejad, A., & Bahrami Khoshkar, M. (2021). Jurisprudential and legal analysis of criminalization of violence against women. *Medical Law Journal*, 15(Special Issue on Legal Innovation 2) .[In Persian]
- Taghizadeh, N., Aghababai, H., & Nazari Nejad, M. R. (2023). Threats against women and preventive strategies. *Criminal Law Doctrines*, 20(25) .[In Persian]
- Yektaei, K. (2023). UN standards on protection of women against violence and comparison with Iranian law. *Journal of Political Science, Law, and Jurisprudence*, 48(9) .[In Persian]
- Zeraatpisheh, Sh., Shiri, A., Najafi Abrandabadi, A., & Mahmoudi Janki, M. (2020). Gender stereotypes influencing the occurrence of sexual assault in components of Iranian culture. *Criminal Law Research Quarterly*, 9(32), 151–177 .[In Persian]
- <https://www.unwomen.org/en/how-we-work/commission-on-the-status-of-women/csw68-2024>
- <https://everywoman.org/campaign-brief>
- <https://www.un.org/womenwatch/daw/cedaw>